جام جم

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

سه‌شنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۷ | ۵ رجب ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۳۴۵ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Tuesday - 2019 Mar 12

حدیث روز: اعلام‌الدین

امام حسن(ع):
با مردم به گونه‌ای رفتار کن که دوست داری با تو آن‌گونه رفتار کنند.

پلک احساس: صائب تبریزی

دست کوتاه زدامان گُل و پا در گِل
حال خار سر دیوار گلستان داریم

امروز در تاریخ:

- درگذشت ایرج میرزا، شاعر و طنزپرداز معاصر ایران (۱۳۰۴)
- صدور پیام حضرت امام خمینی(ره) درباره تحریم شرکت در حزب شاهنشاهی رستاخیز (۱۳۵۳ ش)
- آغاز نهضت نافرمانی در هند به دستور مهاتما گاندی (۱۹۳۰)
- تلفات بمباران توکیو بیش از صد هزار کشته اعلام شد (۱۹۴۵)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۲/۱۴ | غروب آفتاب: ۱۸/۰۹
اذان مغرب: ۱۸/۲۷ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۳۲
اذان صبح (فردا): ۴/۰۰ | طلوع خورشید(فردا): ۶/۱۹

پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه

تهران	ایلام	ارومیه	رشت	شیراز	مشهد	کرمانشاه	همدان
۱۰ / ۱۸	۶ / ۱۵	۲ / ۱۴	۱۲ / ۲۲	۵ / ۱۹	۵ / ۱۷	۳ / ۱۱	۰ / ۱۳

حکمت ۳۵: نهج‌البلاغه

کسی در انجام کاری که مردم خوش ندارند شتاب کند، در باره او چیزی خواهند گفت که از آن اطلاعی ندارند.

خودنویس

یادداشتی از حامد عسکری
شاعر و نویسنده

این یادداشت سیاه‌نمایی نیست

دیروز راجع به اسفند و روزهای آخر سال نوشتم. امروز حس کردم باز هم راجع به این ماه دوست‌داشتنی می‌شود حرف زد. یکی از اتفاقاتی که قبلا صورتی دیگر داشت و این روزها به لطف دنیای مجازی شکل دیگر گرفته همین پیام‌هایی است که برای امور خیر و کمپین‌ها و همدلی‌ها روزی چندتا دشت می‌کنم.

یکی پیام داده و بنر فرستاده که داریم برای بچه‌های یتیم و بدسرپرست اسباب‌بازی جمع می‌کنیم ولو کارکرده و دست دوم، یکی دیگر سبد ارزاق و مایحتاج دارد تدارک می‌بیند، یکی دیگر زنگ زده و قرار است برای کارتن‌خواب‌ها سبزی‌پلو با ماهی درست کنند و شب عید برسانند دستشان.

یکی دیگر پیامک داده و دعوت کرده برای بازارچه خیریه و غذا که عوایدش صرف مادران سرپرست خانوار می‌شود. همه کارهایشان کارهای قشنگی است و به هیچ‌کدامشان هم نمی‌شود نه گفت. اصلا یک جوری‌اند که دلت نمی‌آید توی این طرح‌های خوشگل سهیم نباشی. دم همه‌شان گرم و دست همه‌شان را می‌بوسم. در حسن نیت و دل پاک این عزیزان هم هیچ شک و شبهه‌ای ندارم که اکثرشان رفقای من هستند و از سر لطف خواستند من هم توی این آش، نخودی انداخته باشم. من هم ریا نباشد به قدر وسعم ریا می‌کنم! و همسفره این عزیزان می‌شوم، یک ور کله‌ام می‌گوید نگاه کن مملکت شده خیریه و دارالایتام و یک ورش می‌گوید ای‌وا... هنوز: دستت به کلاه خودت باشه باد نبره حاکم نشده و مردم هنوز به فکر مردم هستند. حق را به ور دوم کله‌ام می‌دهم، ولی ای‌کاش... و آخ از این ای‌کاش‌ها... ای‌کاش فلان مسؤولی که می‌گوید با حقوق هشت میلیون تومنی زندگی‌ام نمی‌گذرد این جمله‌اش را نمی‌گفت، مگر این‌همه نیازمند باشرافت که هستند و لام تا کام حرف نمی‌زنند می‌گویند که زندگی‌شان با حقوق کارگری یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومنی نمی‌گذرد؟ مگر مصاحبه‌ای کرده‌اند و چیزی گفته‌اند؟ ای‌کاش کمی، فقط کمی، خیلی‌هامان یقین داشتیم که قبر جای تنگی است، نه گاوصندوق داخلش دارد و نه چراغ، نه دستگاه پوز نه عابربانک، خودمانیم و چند متر پارچه و کارهایمان و اندیشه‌مان. به فکر بنده‌های خدا باشیم تا خدا به فکرمان باشد.

راه رفتن روی زغال آتشین

ده‌ها تن از راهبان یامابوشی در ژاپن مراسم راه رفتن روی زغال آتشین را اجرا کردند.

به گزارش فرارو، این مراسم همزمان با فرارسیدن فصل بهار در کنار کوه تاکائو در توکیو برگزار شد.

مراسم راه رفتن روی آتش یا Hiwatari matsuri بین راهبان یامابوشی یک جشنواره محسوب می‌شود با هدف محافظت در مقابل بیماری‌ها و دوری از بلا و ایمنی خانواده در برابر حوادث برگزار می‌شود.

یامابوشی راهبان گوشه‌گیر ژاپنی هستند که پیشینه درازی در آن سرزمین دارند. این راهبان در کوهستان‌ها زندگی می‌کنند و داشتن قدرت‌های فراطبیعی را به آنان نسبت می‌دهند. آنها پیرو مکتب شوگندو هستند. یامابوشی‌ها برای حفظ استقلال و انزوای خود تنها با تعداد کمی از معابد روابط دارند.



آنها به تمرینات هنرهای رزمی نیز می‌پردازند و در تاریخ در برخی موارد، کنار سامورایی‌ها و سوهی‌ها در نبردها شرکت کرده‌اند.

کافه میرداماد

گفتگو با حسین محجوبی، نقاش و معمار شهرسازی

تهران بید مجنون ندارد!



طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

تهران را تصور کنید پر از درخت بید مجنون! یکی از زیباترین درختان جهان که اتفاقا آب و هوای تهران برایش خوب است و اگر آنهایی که اداره این شهر به آنها سپرده شده به حرف چهارتا آدم حسابی و خُبره گوش می‌دادند و به جای چنار در تهران بید مجنون و درخت زبان گنجشک می‌کاشتند الان شهری داشتیم پر از درختانی که شاخه‌هایشان حتی با نسیمی ملایم به رقص در می‌آمد و موجی به راه می‌انداخت که روح را به حرکت و قلب را به لطافت دعوت می‌کرد. اما تهران الان پر از چنارهایی است که بهار و پاییز گرده‌هایش دلیلی می‌شود برای حساسیت‌های فصلی و عطسه و سرفه و آبریزش چشم و بینی. چنارهایی که برای دوام به آب زیاد و آبیاری مرتب نیاز دارند و چون تهران به بحران کم‌آبی رو به رو شده، چنارهای تهران از اوایل خرداد و هنوز به تابستان نرسیده پاییز خود را شروع می‌کنند. چنارهای خیابان ولیعصر که خاطره هستند و در زمانی کاشته شده‌اند که تهران پر از آب و آبادانی بود اما خدایی بعدها و زمانی که آدم‌های خُبره زنگ خطر کم‌آبی تهران را به صدا درآوردند چرا شهرداران باز هم چنار کاشتند و هم شهر را خراب کردند و هم این درختان بی‌زوال را به سمت نابودی بردند؟ حالا در آستانه بهار و روزهای آخر هفته درختکاری حسین محجوبی نقاش زبردست و معمار که طراح پارک ساعی هم بوده می‌گوید: انسان‌ها طبیعت را از بین برده‌اند، طبیعت با ما قهر کرده و تهران که زمانی کوه‌هایش پر از برف بود و آب شهر را به وفور تامین می‌کرد، حالا شهری شده که نه آب دارد و نه درخت و نه طبیعت.

کوگوش شنوا؟

او می‌گوید: ۲۰ ساله بودم که از لاهیجان به تهران آمدم. آن زمان تهران سه مسیل مهم داشت، یکی مسیل تجریش و دیگری نارمک و یکی دیگرش هم در جنوب شهر بود. برف‌ها که آب می‌شدند، وارد مسیل‌ها می‌شدند و شهر را پر از آب می‌کردند. نقشه تهران شبیه نعل اسب است، سه طرف آن کوه است و فقط سمت غرب باز است. آن سال‌ها از سمت غرب باد می‌وزید و گاهی آنقدر شدید می‌شد که دولت برای کم کردن شدت بادها در سمت غرب تهران درختکاری کرد و چون آب زیاد بود درخت چنار کاشتند. اما دو، سه دهه اخیر بارها تذکر دادیم که این درخت مناسب تهران نیست چون کم‌آبی بیخ گوش تهران است اما کسی گوش به حرف ما نداد. بارها گفتیم که کاج تهرانی، زبان گنجشک و بید مجنون مناسب آب و هوای تهران هستند اما فضای سبز تهران را پر کردند از درختان و گیاهانی که مناسب این شهر نیست. برای طراحی فضای سبز شهر تهران زحمت زیادی کشیده شده که منکر آن نیستم. اگر بالای برج میلاد بروید، فضای سبز شهر چشم‌نواز است اما تصور کنید که در این کم‌آبی همه این فضای سبز از بین برود دیگر چیزی از تهران نمی‌ماند جز شهری سوخته! تهران اصلا قرار نبود اینقدر وسیع شود. الان از غرب و شمال رسیده به شمال کشور، از جنوب نزدیک قم شده، از شرق هم دارد می‌رسد به شمال، دیگر شهر نیست، غولی است هر چند بزرگ اما بسیار خطرپذیر و در معرض نابودی

زیبا مانند بید مجنون‌های پارک لاله

محجوبی یکی از طراحان اصلی پارک ساعی است. می‌گوید: زمانی که آن زمین بزرگ را برای ساخت پارک و فضای سبز در نظر گرفتیم، پول نبود که. شهرداری آنقدر پول نداشت که حمایت لازم را از ساخت آن بکند. کم کم ساختیم اش. با عشق و علاقه پای کار ماندیم. تصورش را بکنید آن حجم سبز در منطقه عباس‌آباد که آن زمان بیشتر تپه بود. برای به سرانجام رساندن پارک لاله هم خیلی تلاش کردیم. آن زمان به ما گفتند حواستان به کم‌آبی سال‌های آتی تهران باشد. بید مجنون بکارید که هم زیباست و هم به آب زیاد و آبیاری منظم نیاز ندارد. پارک لاله پر شد از بید مجنون. در پارک لاله بود که برای اولین بار آبیاری مصنوعی را تجربه کردیم.

این نقاش چیره‌دست که درخت و اسب دو نشانه همیشگی آثارش هستند درباره درخت و حضور آن در اولین نقاشی‌های جهان می‌گوید: جهان هستی بی‌نظیر است. اکسیژن برای زنده ماندن ما الزامی است اما نمی‌بینمش. همین گاز با هیدروژن ترکیب می‌شود و آب را می‌سازد. هیدروژن را هم نمی‌بینیم اما از ترکیب دو گاز مایه حیات به وجود می‌آید. زیبا نیست؟ می‌رسیم به درخت، ارزشمندترین موجود هستی. از همه چیزش می‌شود استفاده کرد. تا زمانی که زنده است به ما میوه و اکسیژن می‌دهد، طراوتش حالمان را خوب می‌کند. آنقدر سخاوتمند است که وقتی ریشه‌کنش هم می‌کنیم باز به ما سود می‌رساند از چوبش کاغذ می‌سازیم و کلی صنایع چوبی. آتشش می‌زنیم و از گرمایش استفاده می‌کنیم. حتی خاکسترش هم برایمان سودآور است. درخت یکی از عجایب خلقت است اما ما قدرش را نمی‌دانیم. قدیم‌ها در ایران هر وقت طفلی متولد می‌شد به برکت حضورش در این دنیا، نهالی می‌کاشتند اما آن رسم زیبا از بین رفت. تصور دنیای بی‌درخت، ترسناک است اما انسان دارد این موجود زیبا و حیاتی را از بین می‌برد هم‌چنان که با بی‌دقتی و بی‌برنامه‌گی دارد به بحران کم‌آبی و بی‌آبی دامن می‌زند.

مراقب شهر باشیم

حسین محجوبی، بیست ساله بوده که از لاهیجان به تهران آمده و الان بیشتر از هشتاد و پنج سال دارد. به کشورهای زیادی سفر کرده اما هنوز ته لهجه زیبای گیلکی را حفظ کرده و در میان آن خنده‌های معصومانه و بی‌دریغش می‌گوید: من که روستازاده‌ام. زبان برای برقراری ارتباط است و زیبایی‌اش در نوع گویش و لهجه هر منطقه، اما ما آنقدر پیشینه خود را نادیده می‌گیریم و به فرهنگ خود بی‌توجهیم که تقریبا همه مردم ایران دارند با یک زبان صحبت می‌کنند، مثلا به روستای کرمانشاه هم که می‌روی، جوانش تلاش می‌کند با لهجه به اصطلاح تهرانی صحبت کند، او نمی‌داند که اگر با لهجه کرمانشاهی صحبت کند خیلی زیباتر و بهتر است.

با محجوبی درباره رنگ شهر صحبت می‌کنم و این که خاکستری غالب شده و آزار دهنده است. می‌گوید: باید مراقب شهر بود باید برایش برنامه‌ریزی درازمدت داشت. بر دیوارهای شهر نقاشی‌های سرامیکی نقش بسته که زمان مفیدش حدود ده سال است و بعد نابود می‌شود. خیابان‌ها بخش زیادی از شهر را می‌سازند، خیابان‌ها پل‌های ارتباطی آدم‌ها و محل کسب و کار هستند و نباید چنین پر از خودرو باشند. آلاینده‌های این خودروها شهر را آلوده و زشت می‌کند. متاسفانه حمل و نقل زیرزمینی و مترو نادیده گرفته شده و رفت و آمد مردم با اتومبیل‌های شخصی شهر را به سمت نابودی می‌برد.

در آستانه سال جدید و بهار فقط می‌توان امیدوار بود که شهرداران از نظر معماران و کارشناسان استفاده کنند، شاید بتوان نه تنها تهران بلکه کل ایران را حفظ کرد.

مقطع حساس کنونی

داستان غم‌انگیز آدم برفی



امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در آخرین روزهای اسفندماه، در یکی از شهرهای نواحی مرکزی دوردست برف سنگینی بارید. شاخه‌های درختان در زیر بار برف سنگین شکستند و روی سر و کله رهگذران افتادند. پشت‌بام خانه‌ها سفیدپوش شد و برف‌پاروکن‌ها پاروبه‌دوش از کوچه‌ها گذشتند و با سر دادن عبارت «برف پارو می‌کنیم» شادی و نشاط را در کوچه و خیابان به ارمغان آوردند. بر اثر شدت بارش برف سقف یک مرغداری پایین آمد و ۱۲ هزار مرغ تخمگذار تلف شدند. ماشین‌های برف‌روب به حرکت درآمدند و برای سهولت تردد ماشین‌ها، خیابان‌ها را از برف روبیدند. مادر و دختری که برای تماشای منظره برفی به پارک مرکزی شهر رفته بودند، در کنار زمین بازی بچه‌ها که کاملا سفیدپوش بودند، ایستادند. دخترک به مادرش گفت: «مادر، چه منظره زیبایی است. گویی شهر یک لباس سفید پوشیده است.»

مادر گفت: «آری دخترم. اما فردا همین لباس سفید به لباسی سیاه و خاکستری مبدل خواهد شد.»

دخترک گفت: «بیا یک آدم برفی بسازیم.»

مادر گفت: «آه دخترم، آدم برفی دیری نمی‌پاید که آب می‌شود، اگر می‌توانی بیا آدمی بسازیم که برفی نباشد.»

دخترک گفت: «مادر من، صد بار نگفتم طلاق نگیر؟ حالا تا ۳۰ سال هرچی من می‌گم می‌خوای سهراب سپهری و جبران خلیل جبران جواب بدی. تو از این طرف، بابا از اون‌طرف. اقلا برو پیش مشاور.»

سپس با هم آدم برفی ساختند که روحش از یخ بود و سپس از یک مشاور تضمینی که آگهی‌اش را در یک کانال شبکه اجتماعی پیدا کرده بودند، وقت گرفتند تا برای حل مشکلات نزد او بروند.

خانواده متفاوت فیل‌ها و آدم‌ها

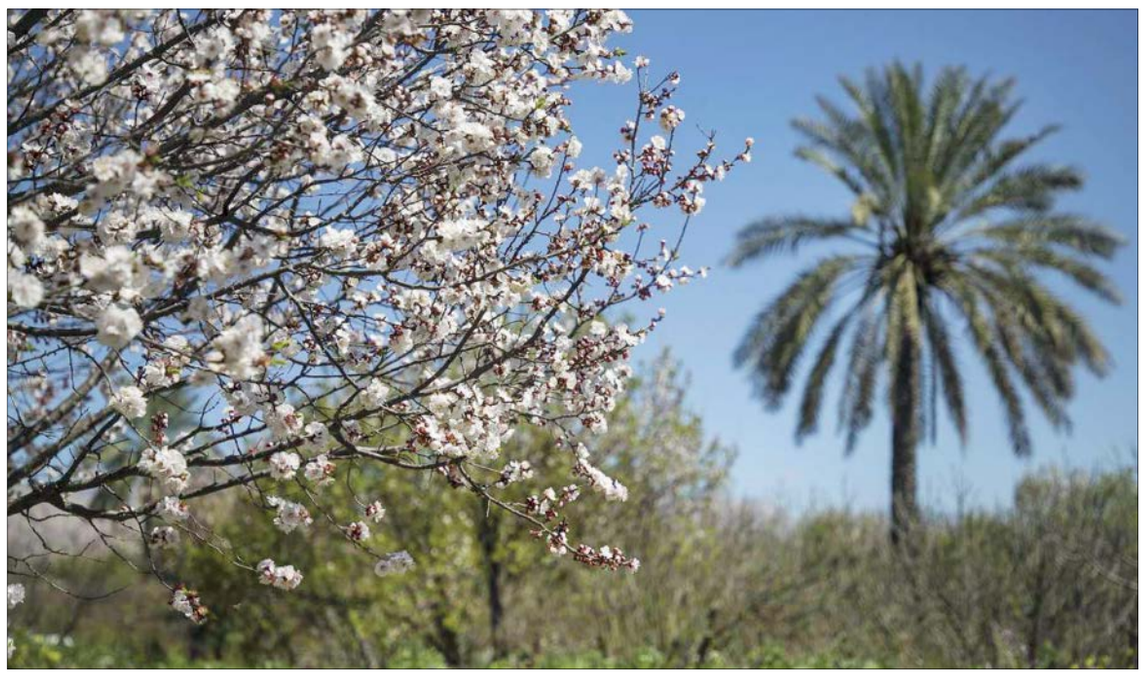


در یکی از روستاهای تایلند به نام چیانگ مای، خانواده‌ای زندگی می‌کنند که از حدود یک دهه قبل تصمیم گرفتند فیل‌ها را به خانه خود بیاورند.

به گزارش عصر ایران، این خانواده یک جفت فیل جوان خرید و خیلی زود آنها صاحب سه فرزند شدند.

شکل تعامل و دوستی متفاوت این دو خانواده خیلی زود بر سر زبان‌ها افتاد.

اکنون خانواده پنج‌نفره آدم‌ها و خانواده پنج نفره فیل‌ها به مهم‌ترین جاذبه گردشگری روستا تبدیل شده‌اند.



عکس: ایرنا

بهار به بهبهان رسید

عمیق‌ترین استخر جهان



به زودی عمیق‌ترین استخر شنای جهان افتتاح خواهد شد. عمق این استخر ۴۵ متر است و برای پر کردن آن، به اندازه ۲۷ استخر بزرگ المپیک آب نیاز است. غواصان حرفه‌ای می‌توانند از آن استفاده کنند و عموم مردم نیز می‌توانند مهارت‌های شنای خود را در این استخر بسنجند. این استخر در شهر ماسوویان لهستان قرار دارد و امسال درهای خود را روی گردشگران باز خواهد کرد.

به گزارش تابناک، این استخر دارای تونل شیشه‌ای است که به شناگران اجازه می‌دهد آکواریوم ماهی‌ها را که به استخر متصل است تماشا کنند.

نام این استخر دیپ اسپات (Deepspot) است. شرکت فناوری کوپیک کورپوریشن این استخر را طراحی کرده است. درجه حرارت استخر بین ۳۲ - ۳۴ درجه سانتی‌گراد است.

ردیابی که بر تناسب اندام تاثیری ندارد



کارشناسان اعلام کردند ردیاب‌های تناسب اندام تاثیری بر کاهش وزن نداشته و تنها یک ابزار است.

به گزارش فارس، ردیاب تناسب (فیتنس‌تراکر) دستگاهی است که به افراد کمک می‌کند تا بر فعالیت‌های روزانه‌شان، در هر زمان و مکان نظارت داشته باشند. کارشناسان هشدار دادند این ابزارها ممکن است اطلاعات نادرستی را در مورد چگونگی سبک زندگی افراد ارائه کند و انجام برخی از این فعالیت‌ها برای آنها غیرضروری است.

از هر پنج نفر یک نفر از این ردیاب‌ها استفاده می‌کند و بیشتر آنها امیدوارند با کمک این دستگاه بتوانند وزن خود را کاهش دهند.

در واقع استفاده از ردیاب لزوما به معنی داشتن بدن مناسب‌تر و کاهش وزن خودکار نیست، بلکه این ردیاب‌ها تنها یک وسیله است.

یک متخصص تغذیه در این زمینه می‌گوید: این ابزار به افراد کمک می‌کند تا فعال‌تر باشند؛ بنابراین اگر شما فعالیت بیشتری داشته باشید، بیشتر گرسنه می‌شوید و در نتیجه با خوردن غذا، تمام زحماتتان را از بین می‌برید.